

## شاهنشاهی اشکانی ها ، اجداد تاجیکان ، پارسها و کردها جلسه هفتم

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

**Dr.Basir Komjo**

برنامه روشنگری سیاسی ، انسانی و اخلاقی خویش را ، بنام خداوند یکتا ، آغاز می کنیم .

با درود فراوان به همه ای خوانندگان گرانقدر ، ادای ادب می نمایم .  
و با عشق و علاقه به هویت نیاکان ما ، در خدمت شهروندان و فارسی زبانان قرار داریم .

جلسه هفتم ما امروز ، بیان رویداد های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی، شاهنشاهی اشکانیان یا ( پارت ها ) اجداد تاجیکان و پارسها و کردها را تشکیل می دهد.

که از ( 247 پ . م . تا 224 میلادی ) به مدت 471 سال ، بر سرزمین ایران بزرگ حکمرایی نمودند.

خوانندگان عزیز قسمی که در جلسه های پیشین باری متذکر شدیم ، مرام از ادامه بیان چنین نبشته ها ، بازشناسی هویت ملی و باستانی مردمان بومی این سرزمین از هزاره های سوم و دوم پیش از میلاد تا عصر حاضر ، می باشد .

به باور ما این اقدام روشنگری عاقلانه از هر دستی و به هر وسیله ای که اجرا گردد ، بنفع تأمین صلح و ثبات و همآیشی ملی واقعی در کشور خود ما و قاره کهن تمام خواهد شد .

این یک حقیقت آفتابی است که تمامی مشکلات امروز ما ، به علت فاصله گرفتن جوانان و مردم ما، از اصل و هویت شان است .

زیرا حاکمان مهاجم و وابسته به بیگانگان ، در جریان سده های اخیر تلاش هدفمند نموده اند ، که تا روند خود شناسی ملی و خود ایستایی ملی مردمان بومی این سرزمین را ، از تاریخ نیاکان شان اغفال نمایند . و شعورانه آنها را از هویت و ارزشهای تاریخی و فرهنگی اجداد شان بدور نگهداشته باشند .

وقتی انسان از این ارزشهایی ذاتی « هویت و اصلیت » خویش تهی شود ، ذهن آن ضربه پذیر شده و آماده پذیرش هر فرهنگ بیگانه ای می شود .

مردمان سرزمین ما برای واپسگیری هویت فرهنگی و تاریخی و معرفی خویشتن که اصلیت آنها را می سازد بایست ارادت مندانه و تسلیم ناپذیر مبارزه نمایند .

و بار دیگر مانند اسلاف خویش از شایسته سالاری زبان فارسی و فرهنگی که با این زبان حوزه تمدنی قاره کهن ابداع و رشد کرده دفاع کنند .

گرچه مردمان آزاده ما از سده های قدیم به این سو در فرآیند تاریخ استقلال خواهی کشورما ، از لحاظ روحی شاهد هزاران ایثار و پایداری ، در راه دفاع از « هویت و اصلیت » و باور های معرفتی و علمی این سرزمین در برابر مهاجمان یونانی ، رومی ، تازی و مغلی و گورکانی و انگلیسی و روسی و پاکستانی ... بوده اند .

اما با تأسف که اخلاف شان در شرایط کنونی در داخل جغرافیایی سیاسی کوچکی بنام افغانستان ، حتا موفق بدفاع از سرنوشت زبان فارسی ( این نماد هویت هستی همگانی ) ، و از دست آورد های فرهنگی و تاریخی خویش ، در برابر اقدامات فرهنگ ستیزی دولت مرکز گرا و تمامیت خواه پشتونها نمی باشند .

و بدین اساس هم هست که هرروز با کلند رهبران مرکزگرای حاکم پشتون : و بویژه در وزارت های فرهنگ ، معارف ، داخله و برخی از نهاد های وزارت تحصیلات عالی و مسلکی ، اکادمی علوم ، خشتی از بنای زبان فارسی و فرهنگ مشترک ما تخریب میگردد .

اگر در کشور ما از طرف فارسی زبانان در برابر چنین اقدامات دولت ، کاری صورت نگیرد . در آن صورت حاکمیت دست نشانده و دستیاران تمامیت خواهش با بدبینی و حسادت درونی ای که در برابر عظمت فرهنگی و تاریخی این سرزمین دارند ، آهسته آهسته موفق به مغز شویی جوانان و بیگانه سازی آنها از اصل اصیل شان ، خواهند گردید .

ما باید به ارزش زبان فارسی و فرهنگ باستانی مان به دیده قدر بنگریم . و در این مقطع باید ، از شرایط مهیا شده زمان ، استفاده بیشتر بریم . تا مفاهیم دفاع مقدس از ارزشهای اصالت خودی را به نسل نوین انتقال دهیم .

و بدین وسیله آن معرفت هویتی ای را که متجلی عزت و افتخار ماست به باور ها ، احساس و عمل و اراده مردم بومی این سرزمین تبدیل نمائیم .

الان در کشور ما سیاست خشنونت پرور و غیر انسانی حاکمیت قلبی و مصنوعی از یک سو و طالبان ظلمت ( سربازان چشم بسته زرمایه ) از سوی دیگر هر دو زیر نام به اصطلاح « دموکراسی » و « اسلام » فقط شرارت می آفرینند .

زیرا در فضای تشنج و جنگ و خون است که تحقق اهداف شئونیزم سیاسی قبایل پشتونها مؤثر واقع می شود .

به این مناسبت ما از تمامی نیرو های دگر اندیش و سازنده جامعه نوین بشمول دانش آموختگان و دانشجویان ، استادان دانشگاه و دانشکده ها ، شاگردان مکاتب و کارمندان مراکز آموزش و پرورش ، واز همه شهروندان صلح خواه کشور آرزو می بریم که در صف همبستگی اجتماعی از زبان فارسی و فرهنگ باستانی این سرزمین ارزشهای جامعه مدنی ، صلح و امنیت و ثبات دفاع کنند .

و امید داریم که مجلس نمایندگان ، رهبران سیاسی نظام ، دست اندرکاران فرهنگی و نهاد ها و رسانه های جمعی - جراید و روزنامه های میهن پرست و غیر وابسته به حاکمیت ، به هر قیمتی که می شود جلو تحقق سیاست ضد ملی حاکمیت سیاسی مرکزگرا حامد کرزی را در عرصه های نصب سیاست کدوری در کل ، و تدوین اساسات تعلیم و تربیه و آموزش و پرورش ، تهیه مواد درسی ، توزیع تذکره ها و شناسنامه های هویت ، پاسپورت ، چاپ فورمه ها و اسناد و مدارک دیوانی و دفتری ... و غیره هر چه عاقلانه تر ، بگیرند .

زیرا صرف همین زبان فارسی و فرهنگ ما و دست آورد های فرهنگی و تاریخی ما عزت و اصالت ما را تمثیل مینماید .

بدون آن ما جسم بی جانی بیش نیستیم . باید در حفظ و نگهداری این ارزشهایی جاویدانه جان خود را فدا کرد . و پیوسته آنرا باز شناخت و این رسالت و احساس را به نسل آینده ساز معرفی نمود .

هدف و انگیزه نوشته هذا نیز شناخت همین مسایل مهم فوق و معرفی گونه هایی از یادداشت های تاریخ باستانی سرزمین ماست .

گرچه در کشور های : ایران و تاجیکستان و ازبکستان ( سمرقند و بخارا ) هندوستان و روسیه ، روم و یونان ، مصر و عراق ، سوریه و ارمنستان و آمریکا و انگلستان و آلمان و اطریش ... راجع به تاریخ باستانی مردمان ایران بزرگ یعنی تاجیکان و پارسها و سایر ملیت های باهم برادر این سرزمین هزاران اثر معتبر و تحقیقی بهتر و بیشتر در مورد نوشته شده ، و وجود دارد .

اما خوانش و شنیدن یاد داشت های ما و نحوه بیان آن به نسل جوان کشور ما ، و فارسی زبانان جهان زمینه ساز کارشناسانه ای است به منظور آگاهی و بیداری و سمت و سوی اندیشویی آنها طبق خواست زمان می باشد .

بگونه ای که در جلسه های پیشتر در بحث شاهنشاهی هخامنشی ها ، اجداد تاجیکان و پارسها گفته شد ، داریوش سوم ( 336 تا 330 پیش از میلاد ) آخرین پادشاه هخامنشی . (1) در نبرد های :

- گرانیک یا گرانیکوس ( بهار 334 پ. م . ) ( 2 ) ؛
- جنگ ترموپیل ( 3 ) ؛
- جنگ مستقیم ( ایسوس ) ( 333 پ. م . ) ( 4 ) ؛
- و جنگ گوگمل ( 331 پ. م . ) ( 5 ) میان آریائیان و یونانیان -  
از اسکندر مقدونی شکست خورد .
- وسرزمین آریائی بزرگ بعد از 214 سال فرمانروایی شاهان  
هخامنشی اجداد تاجیکان و پارسها ، بدست مهاجمان یونانی افتاد .

پس از مرگ اسکندر مقدونی ( 323 پ . م ) سرزمین‌های تسخیر شده  
او میان سردارانش تقسیم شدند. به این ترتیب آریانا تحت حکومت  
سلوکیان ( 6 ) در آمد.

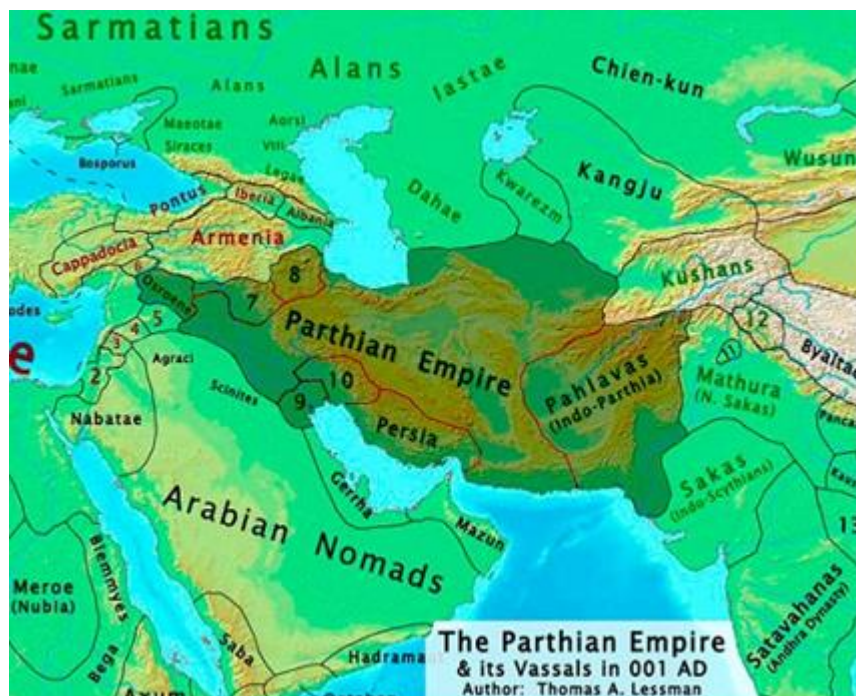
و تقریباً بیش از شصت و پنج سال ( 312 - 250 پ . م . ) در تحت  
فرمان آنان باقی ماند . که رهبری مشترک حکومت سلوکیان را  
باتاجیکان در تاریخ بنام پادشاهی " یونان و باختری " یاد می نمایند .  
مگر در این مدت ایرانی ها ( تاجیکان و پارسها ) بجهت دفاع از ،  
احیایی دوباره استقلال سیاسی سرزمین و فرهنگ آباپی خویش آرام  
نه نشستند . و با استفاده از موقعیت سیاسی و اجتماعی ، نفوذ خود را  
در مسیر جنبش خود فرمانی ملی گسترش دادند .  
و سرانجام توانستند عاملی برای ابراز وجود و خود ایستایی ملی ، و  
نابودی استیلای یونانیان در ایران بزرگ شوند .

ایجاد جو سیاسی جنبش استقلال خواهی در سرزمین ایران بزرگ علیه  
استیلای سلوکیان یعنی ( یونانی ها ) بصورت کل و اعلام استقلال ایالت  
باکتریا ( باختر ، بلخ ) و تأثیرات عمیق آن بر اوضاع سیاسی و  
سراسری کشور همه دست بدست هم داده تا اینکه اشک یکم  
مؤسس شاهنشاهی اشکانیان در سال ( 250 پ . م . ) - ضد  
آنتیوخوس دوم ( 261 - 246 پ . م . ) پادشاه سلوکی قیام کرد  
و دولت ایرانی مستقلی را تشکیل داد .

## اشک یکم ، مؤسس شاهنشاهی اشکانیان یا پارتها



اشک یکم (از 250 پ.م. تا 247 پ.م.) بنیان‌گذار شاهنشاهی ایرانی اشکانیان (اجداد تاجیکان و پارسها) است. به رهبری اشک یکم حکومت مهاجم و بیگانه سلوکیان سرنگون گردید و پس از شاهنشاهی هخامنشیها ایرانی بار دیگر، دولت مستقلی بنام اشکانی ها یا پارتها ایرانی در جغرافیایی سیاسی زیر عرض وجود نمود . (9)



جغرافیایی سیاسی فرمانروایی اشکانیها (پارتها) اجداد تاجیکان و پارسها

قابل تذکر است که پسانها پادشاهان سلسله اشکانیها در فرآیند فرمانروایی ایشان بمناسبت احترام واژه « اشک » که اسم بنیان گذار این سلسله می باشد را برنام خود افزودند . بگونه مثال اشک دوم ، اشک سوم و آخرین پادشاه سلسله اشکانی « اشک بیست و نهم اردوان پنجم است .

اگر چه دولت اشکانی به وسیله اشک اول و برادرش تیرداد پایه گذاری شد ، اما استواری و استحکام واقعی آن به وسیله مهرداد اول و دوم ، بترتیب : اشک ششم و اشک نهم ، این سلسله انجام پذیرفت .

قابل یادآوری است که شاخه تاجیکان ایرانی شامل گروه های اجتماعی : سغدیها ، باختریها ، مرغیانها یا اشکانیها ، خوارزمیها ، فرغانیها ، سکاییها ، کوشانیها ، طاهریها ، صفاریها ، سامانیها ، غوریها ، می باشند . که از آنجمله :

"فرغانیها یا اشکانیان ، از سلسله دودمان تاجیکان ایرانی اند ، که ساکن در حاشیه مرغاب و شمال و جنوب کوه کُپه داغ ، از خراسان ( ساحه پارت ) تا سیستان و بلوچستان پهن شده اند .

و قریب پانصد سال از 250 - پیش از میلاد ، تا 226 میلادی به مدت 471 سال ، در سرزمین آریان یا ایران بزرگ فرمان روایی کردند . " (7) ، و تاکنون دراز مدت ترین شاهنشاهی در تاریخ چندین هزار ساله ایران قدیم محسوب می شود.

ما در این بخش به گونه مثال سوای ذکر اسمای شاهان سلسله اشکانی ، به بررسی برخی از کارنامه های آنها مبادرت می ورزیم .

پادشاهان اشکانی ایرانی اجداد تاجیکان ، پارسها و کردها با تصویر  
های ایشان عبارت بوده اند از :

### 1 - اشک یکم



### 2 - تیرداد یکم (اشک دوم)



### 3 - اردوان یکم (اشک سوم)





4 - فریابت (اشک چهارم)



5 - فرهاد یکم (اشک پنجم)

6 - مهرداد یکم (اشک ششم)



7 - فرهاد دوم (اشک هفتم)





8 - اردوان دوم (اشک هشتم)



9 - مهرداد دوم (اشک نهم)



10 - سینتروک (اشک دهم)



11 - فرهاد سوم (اشک یازدهم)



12 - مهرداد سوم (اشک دوازدهم)



13 - ارد دوم (اشک سیزدهم)



14 - فرهاد چهارم (اشک چهاردهم)



15 - فرهاد پنجم (اشک پانزدهم)



16 - ارد سوم (اشک شانزدهم)



17 - وثن یکم (اشک هفدهم)





18 - اردوان سوم (اشک هیجدهم)



19 - وردان (اشک نوزدهم)



20 - گودرز دوم (اشک بیستم)



21 - ونن دوم (اشک بیست و یکم)



22 - بلاش یکم (اشک بیست و دوم)



23 - پاکور (اشک بیست و سوم)



24 - اردوان چهارم (اشک بیست و چهارم)

25 - بلاش سوم (اشک بیست و پنجم)



26 - بلاش چهارم (اشک بیست و ششم)



2 - بلاش پنجم (اشک بیست و هفتم)



8 - بلاش هشتم (اشک بیست و هشتم)





29- اردوان پنجم (8) اشک بیست و نهم)



دوم - پادشاهی تیرداد یکم ،  
اشک دوم



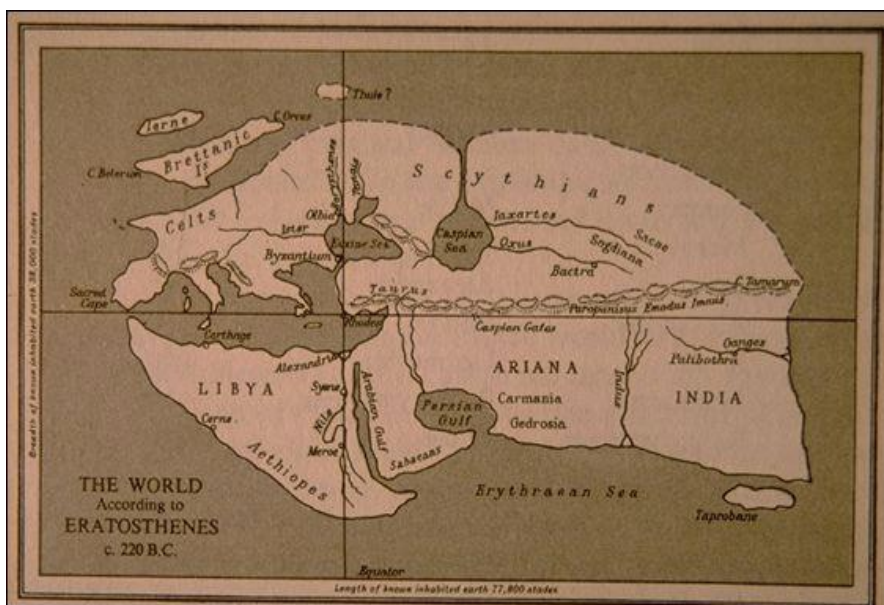
تیرداد یکم ، دومین شاهنشاه اشکانی است. او پس از برادرش اشک  
یکم به تخت نشست و با پادشاه سلوکی : سلوکوس کالی نیکوس ( 246  
- 225 پ . م . ) جنگید و او را شکست داد ، از ( 247 تا 214 پ . م .  
( . سلطنت کرد. (11)





سلوکوس کالی نیکوس دوم

وی به استواری و پایداری موقعیت سیاسی و نظامی و اجتماعی دولت نوپای اشکانی پرداخت. و یک نظام مستحکم را اساس گذاشت. به نقشه‌ای که اراتوستنوس در سال 220 پ. م. تهیه کرده است نگاه کنید



تیرداد از گرفتاریهای زیاد سلوکیان در مغرب استفاده نموده و گرگان را به پارت ضمیمه کرد. سپس با دیودوت پادشاه باختر متحد شده و خود را مانند سلفش (پیشدادیان، کیانیان و شاهان هخامنشی)، شاهنشاه خواند.

در زمان سلطنت تیرداد (اشک دوم) شهر صد دروازه پایتخت اشکانیان بود. (12)

نگاه کنید به نمونه شهر سازی در دوره اشکانیان 2200 سال پیشتر از امروز



سوم - پادشاهی اردوان یکم ،  
اشک سوم



اردوان یکم پسر تیرداد یکم ، سومین شاهنشاه اشکانی  
اجداد تاجیکان ، پارسهاک گردها از ( 214 - 196 پ . م . ) حکومت  
نمود . (13)

از کارنامه های تاریخی وی معلوم است که او یک مرد میهن پرست با  
تدبیر و در برابر مهاجمین تسلیم ناپذیر بود.

او از منازعه آنتیوخوس سوم ( پسر سلکوس کالی نیکوس ) با آخه لائوس و با یکی از وُلات او استفاده کرده ، با بهره مندی از لشکر نیرومند و سرداران ماهر خویش ، بماد تاخت و راهی را که از گرگان بکوههای کردستان میرفت در تحت تسلط خویش درآورد. و با این حرکت کلد و بین النهرین قدیم را در تحت تهدید گذاشت . (14)

نبرد آزادی خواهی اردوان یکم شاهنشاه سوم اشکانی علیه آنتیوخوس سوم یونانی ، مدتی بطول انجامید.

### نگاه کنید به تصویر و سکه آنتیوخوس سوم



و ایرانی ها در این جنبش استقلال خواهی چه در باختر و چه در پارت به مقابل سلوکیان مهاجم سر اطاعت فرود نه آوردند و تا پای و جان از سرزمین خویش دفاع نمودند .

سرانجام بر اثر این مقاومت آنتیوخوس در حوالی ( 206 پ . م . ) شکست را می پذیرد و استقلال آریانی بزرگ و همبسته را برسمیت می شناسد .

باید گفت که در این جنگها لشکر آنتیوخوس شهرها را آتش زدند و معبد آناهیتا را در همدان غارت نمودند ، ذخایر و نفایس زیاد از آنجا بر گرفتند . نوشته اند چهار هزار تالان (15) قیمت ذخایر بوده است . باید گفت که یک تالان در آن زمان واحد اندازه یک کیلوگرام طلا ، بوده است.



نگاه کنید به معبد اناهیتا



چهارم - پادشاهی مهرداد یکم ،  
اشک ششم



مهرداد یکم پسر ( فریابت ) ششمین شاه سلسله اشکانی ( اجداد تاجیکان ، پارسها و گردها ) است . وی پس از برادرش فرهاد یکم بر تخت شاهی نشست و دولت اشکانیان را به منتهای درجه قدرت رسانید .

مهرداد یکم بانی عظمت و اقتدار دولت اشکانی گردید . شهادت ودلیری او سبب شد تا برخی از سرزمینها را از سلوکیان که به واسطه جنگ با رومیها و یهودیها ضعیف شده بودند بگیرد ؛ وی با دمتریوس دوم پادشاه سلوکی جنگ کرد و او را مغلوب و به زندان انداخت . ( 16 )



**Demetrius II Nicator**  
September 145 – July/August 138 BC

در سال 155 پیش از میلاد مهرداد یکم سرزمین ماد را تسخیر کرد .  
و در سال 141 پیش از میلاد بین النهرین را گرفت .

مهرداد ابتدا مرو را از باختریها گرفت و بدنبال ان تا سغد پیشرفت ، از  
انجا بکابل رفت و سپس پنجاب را تسخیر نمود و از راه پنجاب به  
سیستان رفته و آنجا را جزشاهنشاهی خود کرد .

وی بترتیب عازم آذربایجان شد و آن کشور را از امرای محلی که در  
انجا استقلال یافته بودند ، خالی کرد . سپس به خوزستان و پارس  
و سلوکیه و بابل پرداخت . بعد به هند رفت و قطعه‌ای را تا رود سند به  
شاهنشاهی اشکانیها ضمیمه کرد .

به این ترتیب شاهنشاهی اشکانیان دودمان تاجیکان و پارسها وسعت  
قابل توجهی پیدا کرد. بگونه ای که مملکت او ( 17 ) بعد ها رقیب و  
همسر دولت جهانی روم گردید .

### پنجم - پادشاهی مهرداد دوم ، اشک نهم



مهرداد دوم یا مهرداد بزرگ (اشک نهم) نهمین شاه اشکانی دودمان  
تاجیکان و پارسها است که ( از 123 تا 88 پ.م ) بمدت 35 سال  
حکمرانی کرد (18) . لقب بزرگ را به دلیل مقتدر بودن و نظم و  
سازمان دادن به امور ایران بزرگ به او داده‌اند.

اوزمانی به شاهی رسید که ایران از هر سو هدف تهاجم گروه ها  
و طوایف گوناگون شده بود.

مهرداد دوم به پیروی از مهرداد یکم با تعقل و شجاعت تمام مناطق اشغال شده را بار دیگر از چنگال مهاجمان پس گرفت و مرزهای شاهنشاهی آریانای بزرگ را در شرق تا کوه‌های هیمالیا ( 19 ) و در غرب تا همسایگی شاهنشاهی روم رساند.

مهرداد دوم نخستین شاه اشکانی بود که مانند شاهان هخامنشی خود را شاه شاهان خواند.

وی در این نبرد ها نخست بابل را از تازیان پس گرفت و سپس به ارمنستان لشکر کشید. در سال 113 پ.م سراسر بین‌النهرین را به دست آورد و مرو و فرارود را نیز تصرف کرد. ( 20 ) آنگاه رو به شرق نهاد با نبردی سهمگین سکاها را شکست داد ، پارت و هرات را آزاد کرد و دولت سکایی سیستان را وابسته به دولت اشکانی ساخت . او همچنین در نبردی که در شمال عربستان کنونی انجام شد، چادر نشینان تازی را که قصد وارد شدن به قلمرو حکومت اشکانی را داشتند، شکست سختی داد و آنها را تا مرکز بیابان عربستان عقب راند.

این نبرد برای اعراب درس عبرت بزرگی شد و مهرداد دوم به آنها فهماند که نبرد با شاهنشاهی قدرتمند اشکانی چیزی جز مرگ و شکست برایشان نخواهد داشت. این نبرد چنان شکستی را به اعراب وارد کرد که تازیان تا سالهای بسیار پس از این نبرد حتی جرئت نزدیک شدن به خاک ایران بزرگ را نیز نداشتند.

نخستین رابطه دولت روم با آریانا در زمان مهرداد دوم ایجاد شد، و سفیری از جانب شاهنشاه اشکانی برای بستن پیمان نزد "سولا" که از جانب دولت روم به آسیای صغیر آمده بود فرستاده شد.

نگاه کنید به تندیس

سردیس سولا در موزه گلیپتوتک مونیخ آلمان





مهرداد دوم با تحمل و دوراندیشی اوضاع سیاسی و اجتماعی و امنیتی ایران بزرگ را نظم و ترتیب داده تحت کنترل خویش درآورد. وزیرساخت های اقتصاد قوی را اساس گذاشت.

همچنان پس از پیروزی‌هایی که ذکر آن رفت، مهرداد فرصت یافت تا به امور داخلی کشور نیز بپردازد.

او به فرهنگ، آداب و سنن ایرانی بسیار پای بند بود. وی با تلاشی خستگی ناپذیر بر آن شد تا فرهنگ ایران بزرگ را از مظاهر فرهنگ یونانی هلنی پاک کند. در عرصه بازرگانی و سر و سامان دادن به اقتصاد کشور، مهرداد اقدامات بسیار ارزنده‌ی انجام داد.

در روزگار او بود که راه تجارت آریانا به چین که در تاریخ به " راه ابریشم " معروف است گشوده شد. که بعد آن تبادل امتعه و مال تجارتي میان چین، هند، عربستان و برخی سرزمین‌های دیگر موجب شکوفایی اقتصاد کشور و منطقه گردید.

### ششم - پادشاهی ارد دوم ، اشک سیزدهم



اُرد دوم (اشک سیزدهم) سیزدهمین شاه از خاندان اشکانی است. وی از سال 55 تا 37 پیش از میلاد سلطنت کرد. به عقیده بسیاری از مورخان در زمان او شاهنشاهی اشکانی به اوج عظمت خود رسید. بسیاری از معاصران آن زمان آریانا یا ایران بزرگ را بسیار مقتدرتر از روم می‌دانستند. ( 21 )

در زمان شاهی ارد دوم سرزمین‌های بسیاری به قلمرو اشکانیان اضافه شد ولی به دلیل ضعف سازمانی ارتش نتوانستند مناطق فتح شده را حفظ کنند. مهمترین پیش‌آمد در زمان شاهی ارد دوم جنگ‌های متعدد با رومیان و به خصوص نبرد حران (carrhae) (22) است.

ارد دوم همچنین پایتخت آریانا را از شهر صدرروازه به تیسفون (23) که در برابر سلوکیه ساخته شده بود منتقل کرد و تیسفون تا زمان حمله اعراب پایتخت ایران بزرگ بود.

در مورد انگیزه و وقوع جنگ حران مسایل ذیل قابل تذکار است که در آن دوران اتفاق افتیده است. حکومت روم در دست سه فرمانده هر یک :

ژولیوس سزار، پومیه و کراسوس سزار اداره می‌شد. و کراسوس در آن زمان فرمانروایی سوریه بود، وی که از قوای رزمی نیرومندی برخوردار بود. کوشید با شماتت ویژه توانمندی خود را در برابر پارتیان یا اشکانیان بیازماید.

او با وجود عدم رضایت روم، بدون اعلام جنگ، در سال 54 پیش از میلاد از رود فرات گذشت.

سپس پلی را که بر فرات بود، ویران کرد، زیرا داستان‌هایی در مورد جنگ و گریز سواران پارتی دودمان تاجیکان و پارسها و رشادت‌های آنان در سپاه روم پیچیده بود.

و آنها را در وحشت از پارت‌ها فرو برده بود. و کراسوس از فرار سربازانش بیم داشت.

کراسوس در آغاز موفقیت‌هایی به دست آورد. البته موفقیت‌های او بیش از تاراج روستاها و آبادی‌های بی‌پناه میانرودان چیز دیگری نبود. ارد دوم شاهنشاه اشکانی نماینده نزد کراسوس فرستاد. تا درباره این دشمنی از او توضیح بخواهد. و وی مغرورانه پاسخ داد که جواب پارتیان را در سلوکیه یعنی در کرانه باختری رود دجله خواهد داد. آنگاه پیرترین فرستاده ارد دوم به نام واگیز پاسخ گفت: اگر در دست من موئی دیدی، دیدار شهر سلوکیه نصیبت خواهد شد. با این تدبیر نبرد میان این دو ابر قدرت جهانی قطعی شد.

جنگ حران در شمال میان رودان یعنی بین النهرین میان سپاه ایران بزرگ و روم در ششم ماه می سال 54 پیش از میلاد رخ داد، و با شکست سپاه روم به پایان رسید.

در این نبرد سپاه کراسوس سردار رومی با سپاه سورنا سردار اشکانی مقابل می‌شود و پس از یک نبرد خونین، کراسوس سردار رومی و پسرش و بیشتر سربازانش کشته شدند که این بزرگترین شکست رومی‌ها از ایرانیان در طول تاریخ بوده است.

از آن زمان تا هفت صد سال بین دو ابر قدرت باستان یعنی روم و ایران بزرگ در دوران شاهنشاهی اشکانی‌ها و ساسانی‌ها، حدود هفتاد بار، جنگ رخ داده است.

هفتم - پادشاهی بلاش یکم ،  
اشک بیست و دوم  
Vologases I of Parthia



بلاش یکم (اشک بیست و دوم) از خاندان اشکانی تاجیک تبار آریایی است. او در سال 51 میلادی پس از مرگ پدرش و نون دوم بر تخت شاهی نشست و تا سال 78 میلادی سلطنت کرد. (24) در هنگام پادشاهی بلاش یکم آریانا گرفتار مصیبت های گسترده دیگری از جمله شیوع « طاعون » و « وبا » و قحطی ناشی از خشکسالی می گردد .

مگر در تاریخ از او به عنوان آخرین شاه بزرگ اشکانی یاد می کنند. زیرا پس از وی دولت اشکانی به ضعف گرایش پیدا می کند و در انتها به دست ساسانیان قوم دیگری از نژاد آریایی می افتد.

بلاش یکم ارمنستان را که در دوران شاهی اردوان سوم (اشک هیجدهم) به خاطر نبردهای داخلی بر سر قدرت میان اشکانیان به رومیان واگذار شده بود به زور نبرد واپس گرفت . و دوره جنگهای آریانا و روم را با پیروزی آریانا پایان رسانید . وقوای شاهنشاهی روم مجبور به عقب نشینی شد . (25)

بلاش یکم به آیین و روش های آریایی بسیار علاقه مند بود. در احیای فرهنگ و آیینهای آریائیان تلاش بسیاری کرد و بازمانده گرایش های یونانی را در آریانیایی بزرگ ، از میان برداشت .

بنا به روایات زرتشتی در زمان بلاش یکم متون کهن اوستایی از نو گردآوری شد. و نام یونانی شده شهرها ، نیز دوباره نام آریایی خود را بازیافت.



Silver tetradrachm of Vologases I facing left, receiving diadem from one of the female Iranian deities (yazata) Anahita or Ashi,[30] .standing with a sceptre



## هشتم - پادشاهی اردوان پنجم ، اشک بیست و نهم



پس از مرگ بلاش پنجم میان دو پسر او به نام‌های بلاش ششم و اردوان پنجم برای رسیدن به شاهی نزاع درگرفت. در ابتدا بلاش به شاهی رسید ولی بعد « اردوان » علیه او قیام کرد و توانست نفوذ خود را بر سراسر آریانا افزایش دهد و زمام امور کشور را بدست گرفت . اردوان پنجم (اشک بیست و نهم) آخرین شاه ایران از خاندان اشکانی است که از سال 216 تا 226 میلادی در آریانا پادشاهی کرد. (26) در سال های آخر شاهی اشکانیان به سبب زدو خورد های داخلی و جنگ های پیاپی با رومیان و وجود کشمکش های داخلی قدرت نظام رهبری این خاندان بسیار سست شده و شیرازه کارها از هم گسیخته بود.

ایرانی ها از آشفتگی و ناتوانی کشور و نظام ناخرسند بودند . و آرزو می کردند که باز مانند دوران هخامنشی کشوری آراسته و نیرومند داشته باشند.

به این سبب اردشیر بابکان بر شاهنشاه اشکانی شورید . همه او را از جان و دل به شاهنشاهی پذیرفتند. اردشیر بابکان پس از آنکه استان های فارس و کرمان و جزایر خلیج فارس را به فرمانروائی خود افزود و با اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی مقابله کرد. اردوان در این نبرد شکست خورد و خاندان شاهنشاهی اشکانیان ایرانی پس از 471 سال بر افتاد.

اردشیر بابکان از آن پس به شاهی نشست و خاندان شاهنشاهی ساسانی ایرانی را بنیاد کرد که بیش از چهار قرن دیگر بر آریانایی بزرگ فرمانروا بودند.

اردوان پنجم ( 216 - 226 میلادی ) بیست نهمین شاه اشکانی در زمان حکومت اشک پیوسته با سپاهیان رومی نیز در نزاع و مجادله بود. و چند بار در نبرد ها بر شاهنشاهی روم پیروز گردید .

بگونه‌ی مثال ما گوشه از این نبردها رابازگو می‌کنیم :  
" ... نیرنگ و خیانت دیگری نیز از جانب رومیان در آخر دوره حکمروایی اشکانیان انجام گرفت ، و آن این بود که «کاراکالا» قیصر روم خواست « اردوان پنجم » آخرین شاه این خاندان را بکشد و کشورآریان یا ایران را زیر فرمان خود بیاورد.

برای رسیدن به این هدف نامبارک نامه ای به اردوان پنجم نوشت ، و دختر او را خواستگاری کرد.

اردوان پاسخ داد که باید خود قیصر بیاید و عروس را ببرد.  
به نوشته هرودیان - تاریخ نگار رومی « قیصر» اعلام کرد که به آریانا می‌آید تا به شکل رسمی با شاهزاده ایرانی عروسی کند .  
« کاراکالا » با سپاهیان خود به نزدیکی مرز آریانا آمد و جشنی برای عروسی برپا کرد و چون اردوان پنجم با سرداران و درباریان خود به آن مجلس رفت قیصر ناگهان با سربازان خود بر ایشان تاخت. خود اردوان شاه آریانا توانست از صحنه‌ی منازعه نجات یابد . اما بسیاری از سرداران ایرانی کشته شدند.

اردوان چون جان بدر برد لشکریان بسیار گرد آورد و به جنگ رومیان شتافت. اما در همین وقت کاراکالا در نزدیکی « منطقه حران » کشته شده بود.

#### نگاه کنید به تصویر کاراکالا امپراتور روم



اردوان با جانشین او پیکار کرد و رومیان سخت شکست یافتند و خواهش آشتی کردند، و پذیرفتند که از مرزهای آریانای بزرگ دور شوند و مبلغ هنگفتی غرامت بپردازند.

هرودیان مورخ رومی جای دیگر می‌نویسد : این چهارمین بار بود که رومی‌ها به تصرف و غارت و ویرانی شهرها و روستاهای « بین

نهرین « و کشتار مردم آن، در درازای 100 سال دست زده بودند. " (27)

در زمان اشکانیان ایران بزرگ به چندین "ولایت"، تقسیم شده بود. هرولایت شاهی داشت که اغلب از خاندان کهن شاهی آن ولایت بود. اشکانیان زمانی که کشوری را فتح می کردند، گاهی همان پادشاهش را به فرمانروائی می گماشتند، تا دست نشانده شاهنشاه باشد و باج یعنی مالیات ولایت را هر سال به خزانه مرکزی بفرستند. گاهی هم کس دیگر را از جانب خود به شاهی آن ولایت معین می کردند.

برخی از ویژگی های اجتماعی و سیاسی نظام اشکانیان در دولت اشکانی، شاهنشاه بالاترین مقام کشور را داشت، و می بایست از نژاد آریایی یا ایرانی اشک اول باشد. این مقام ارثی بود یعنی از پدر به فرزند می رسید.

نظام سیاسی اشکانی دو مجلس (شورا) داشتند :

اول - مجلس (شورای) خانواده شاهی که همه مردان خاندان اشکانی چون به سن بلوغ می رسیدند در این مجلس شرکت می کردند.

دوم - مجلس (شورای) بزرگان که از مردان کار آزموده کشور و پیشوایان دینی فراهم میشد. این دو مجلس را رویهم "مغستان" می گفتند. (28)

چون شاهی در می گذشت در این مجلس جانشین او را از میان فرزندان یا افراد دیگر خاندان برمی گزیدند. آنگاه سپهسالار کشور که از « خانواده سورنا » (29) بود تاج شاهی را بر سر او می گذاشت.

اشکانی ها به آئین کهن آریایی باستان می زیستند . و پرستش خدایان باستان آریایی ، مانند "میتر" یا مهر و اناهیت یا ناهید، نیز میان ایشان معمول بود. در میانه های دوره اشکانی دین زرتشت در همه آریانا رواج یافت و به این سبب بعضی از شاهان آن خاندان به این آئین علاقه بسیار نشان دادند.

بلاش که یکی از شاهان بزرگ اشکانی بود فرمان داد تا کتاب "اوستا" را که پراکنده شده بود فراهم بیاورند.

اما اشکانیان هم مانند اسلاف خود هخامنشیان مردمان را در دین و آئین خود آزاد می گذاشتند.

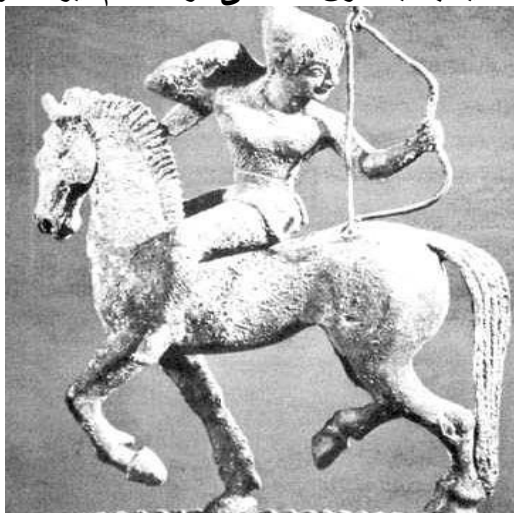
به این سبب در دوره ایشان در بعضی شهرهای یونانی نشین آریانا ، دین یونانی رواج داشت ، و سپس که دین عیسوی رونق یافت . بعضی از شهرهای مغرب که اکنون در کشور عراق است مرکز پیشوایان دین مسیح شد.



به ادامه : فارسی باستان دوره ای هخامنشیان ، فارسی میانه یکی از زبان های ایران بزرگ بود که در دوره اشکانی ها و ساسانی ها در سراسر ایران قدیم رایج بود . این زبان از راست به چپ نوشته می شد که اکنون بنام فارسی نو یاد می شود .

ورزش در دوره اشکانیان ویژگیهای خود را داشت . به جوانان پارتی ( اشکانی ) پیش از همه چیز سوار کاری و تیراندازی می آموختند . پارتی ها در این فنون چنان استاد و ورزیده بودند که در جهان آن روز نمونه و مثل شمرده می شدند . در زد و خوردهای پیاپی که میان اشکانیان با سلوکیان و رومیان روی می داد همیشه چابکی و استادی سوارکاران پارتی بود که موجب پیروزی آریائیان می شد .

### نگاه کنید به یک زن اشکانی در هنگام تیر اندازی



— شکار نیز یکی از کارهای مهمی بود که جوانان می بایست بیاموزند .

جامه مردان پارتی قبائی بلند و گشاد بود با شلواری فراخ ، نوار پهنی بجای کلاه دور سر می بستند تا هنگام تاخت و تاز ، موی سرشان پریشان نشود . زلف و گیسو را بلند می گذاشتند و موی ریش را حلقه حلقه می کردند . گاهی نیز ریش را می تراشیدند .

سلاح ایشان کمان های محکم بود با شمشیری که حمایل می کردند . همه مردان خنجر را راست و پهن به کمر می بستند . سواران جنگی نیزه ای نیز در دست داشتند .

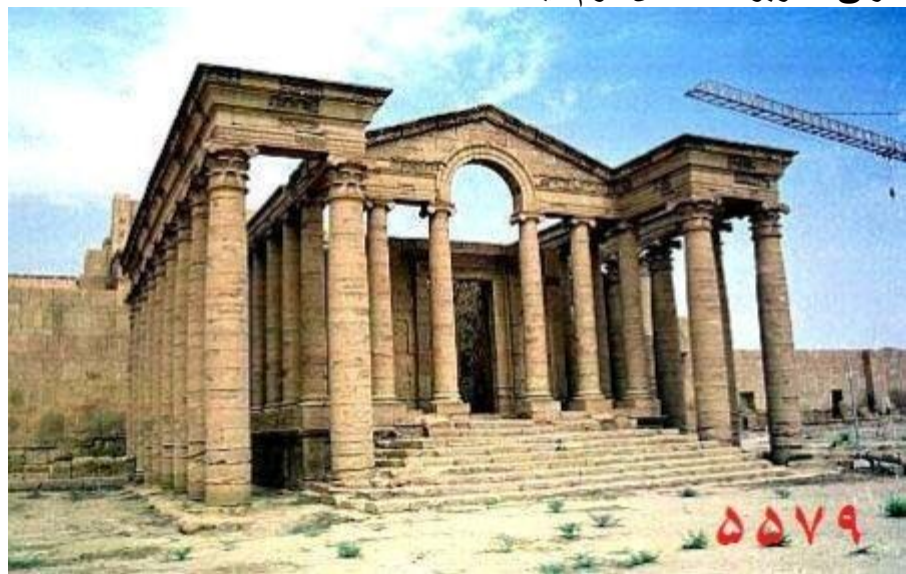
نگاه کنید به ، سوارکار سنگین اسلحه اشکانی در نبرد با شیر  
در موزه بریتانیا نگهداری می شود .



از جلوه های مهم هنری این عهد ، هنر گچبری را می توان نام برد که  
رواج بسیاری داشت و نقوش آن تلفیقی از سبک یونانی و هخامنشی  
است.

بهترین آثار هنری گچبری این عهد بر روی دیوارهای مکشوف در  
آشور، اوروک (در عراق) و کوچه خواجه (در سیستان) یافت شده  
است. (30)

نگاه کنید به عکس شماره 5579 بقایای کاخ اشکانی در هترا ، کشور  
عراق ، مربوط سده ای دوم میلاد،



هنر چهره پردازی اشکانیان نیز نوعی شیوه واقع نمایی را اختیار کرده و تضاد با شیوه ی آرمانی یونانیان به ویژه در مسکوکات این دوره مشهود است.

#### نگاه کنید به این صنعت دستی اشکانی



در دوره اشکانی هنر پیکرتراشی نیز تا حدودی رواج داشته و علاوه بر نقوش برجسته چند مجسمه سنگی مربوط به شاهان این سلسله یافت شده است

#### نگاه کنید به این نقش رزمنده ای اشکانی



فرهنگ معماری در دوره اشکانیان در کل ، همسو با سیاست خود پایی ملی، توانست راه تاریخی و بومی خود را بار دیگر باز نماید و از زیر بار هر آنچه که یونانیها بر هنر ایران بزرگ تحمیل کرده بودند خارج گردد ، و بار دیگر رنگ و بوی و سرشت ایرانی به خود گیرد .

1 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 500 - 501 و رجوع شود به لغت نامه دهخدا تحت نام داریوش سوم .

2 - نخستین نبرد اسکندر و آریانیان در بهار (334 پ. م .) در کنار رود گرانیک یا گرانیکوس در حوالی آسیای صغیر بوقوع پیوست . جنگ گرانیکوس بسبب کشته شدن بسیاری از سرداران بزرگ آریایی به سود اسکندر پایان پذیرفت. اسکندر سپس شهر سارد پایتخت لیدی را نیز گرفت و بر بخش بزرگی از آسیای صغیر دست یافت.

3 - جنگ ترموپیل (thermopylae) به عقیده تمامی کارشناسان و مورخان بی طرف ، نمایشی بود از عظیم ترین جنگی که در دوران باستان ، بین دو ابر قدرت آن زمان یعنی هخامنشیان آریایی و یونانیان رخ داد که طبعات این جنگ به قدری وسیع و همه گیر بود که اثرات آن تا به امروز در فرهنگ و زندگی هر دو سرزمین نمایان شده است.

4 - داریوش و اسکندر در نزدیکی شهر ایسوس (333 پ.م.) با یکدیگر رو به رو شدند . ایسوس در کنار خلیج اسکندرون قرار داشت و دشتی که در همسایگی این شهر قرار گرفته بود محل نبرد دو حریف شد .

در این جنگ داریوش سوم شکست خورد و اردوی وی بغارت رفت و مادر ، زن ، پسر و دختر داریوش نیز بدست اسکندر گرفتار شدند. این پیشامد داریوش را بر آن داشت تا از اسکندر درخواست صلح کند. ولی اسکندر بدین کار تن در نداد . مردم « شهر صیدا » مقدم اسکندر را پذیرا شده و پیروزی را به رسمیت شناختند. ولی شهر صور پایداری ورزید و بسیاری از سپاهیان اسکندر را بر خاک افکند . سرانجام اسکندر پس از هفت ماه نبرد آن شهر را بتصرف در آورد و به قتل عام مردم آن پرداخت.

5 - نبرد گوگمل (331 پ.م.) دومین نبرد مستقیم اسکندر است که در گوگمل احتمالاً واقع در نزدیکی موصل امروزی ، با سپاه داریوش سوم روبه رو گردید. داریوش از گوگمل بسوی همدان رفت. اسکندر نیز بجانب آریانا رهسپار شده و شهرهای بابل و شوش را بسبب خیانت حکمرانان آنها بی هیچ رنجی گرفت خزاین و نفایس بسیاری به چنگ آورد و عازم پارس و تخت جمشید شد.

6 - پس از جنگ های « دیادوکی » که به مرگ اسکندر مقدونی منجر شد، کشورهای آریانا ، بین النهرین، شمال سوریه و بخش اعظم آسیای صغیر به زیر سلطه سلوکوس یکی از ژنرال های سابق اسکندر رفت و وی سیاست اتحاد یونانی ها و آریایی ها را دنبال نمود. سلوکوس یکم ، پس از اعلام پادشاهی خود در آسیا، به نیرومندترین پادشاه مقدونی در شاهنشاهی پیشین اسکندر تبدیل شد.

7 - " بروایت هرودت پارت ها ( پارتکنان ) یکی از طوایف ششگانه مادی می باشد. " تاریخ ایران باستان، ج 1 ص 175 و رجوع شود به بند 101 تاریخ هرودت .

8 - رجوع شود به منابع :  
تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ا. آ. گرانٹوسکی - م. آ. داندامیو، مترجم ، کیخسرو کشاورزی، ناشر: مروارید 1385 .  
- تاریخ ایران از عهد باستان تا قرن 18 ، پیگولوسکایا : ترجمه کریم کشاورز، تهران ، 1353 .  
- تاریخ اشکانیان - میخایل میخائیلوویچ دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، تهران ، پیام ، 1378 .

- تاریخ اجتماعی ایران . مرتضی راوندی ، ج 1 . 1354 .  
- تاریخ ایران باستان ، دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. روحی ارباب. انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1380 .  
- شاهنشاهی اشکانی ، ولسکی ، یوزف ، چاپ اول ، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، تهران : ققنوس ، 1383 .

9 - تاریخ ایران ، سرپرسی سایکس ، ترجمه : محمد تقی فخرداعی گیلانی ، جلد اول ، نوبت چاپ : پنجم ، تهران ، سال 1370 ، ص 413 - 414 .

10 - فیلسوف و مورخ یونانی بود. او نویسنده کتاب آناباسیس اسکندر (لشکرکشی اسکندر) است که مهمترین کتاب در مورد اسکندر به شمار می رود. او کتاب دیگری نیز بنام ایندیکا در زمینه بازگشت نیارخوس از هند، پس از تسخیر هند به دست اسکندر، دارد.

11 - رجوع شود به : فرهنگ فارسی دهخدا ( بخش تیرداد ) .  
- فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 406 .  
- تاریخ ایران باستان ، دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ ، روحی ارباب ، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم 1380 .

12 - صد دروازه یا هکاتومپیلوس (Hecatompylos) یک شهر باستانی در باختر خراسان که از 200 پیش از میلاد پایتخت اشکانیان بود. خود هکاتومپیلوس در زبان یونانی به معنای صد دروازه می باشد. این لقب در نزد یونانیان به شهرهایی داده می شد که بیش از چهار دروازه را دارا بودند. مکان این شهر باستانی امروزه میان دامغان و سمنان و در سر راه تهران - مشهد قرار دارد و شهر قومس خوانده می شود.

13 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 119 .

14- ایران باستان ، میرزا حسن پیرنیا، تهران: دنیای کتاب ، چاپ نهم ، 1378. ج 3 ، ص 2209 و 2213.

15 - تالان در قدیم واحدی برای پول طلا و نقره بوده. یک تالان در تعریف کلی معادل جرم آب در حجم یک آمفورا (کوزه‌ای ته باریک در یونان باستان) بوده که تقریباً برابر با یک پای مکعب است. در یونان باستان یک تالان حدوداً 24 کیلو بوده. تالان طلا ده برابر تالان نقره بوده است.

- رجوع شود به تالان در «ایران باستان» ، میرزا حسن پیرنیا، تهران: دنیای کتاب، چاپ نهم، 1378. ج 1 ، ص 166 و 210 ، 669 ؛ همان کتاب : ج 2 ص 1498 .

16 - مهردادیکم ( اشک ششم ) دیمتریوس را نکشت و حتا دختر خود رودگونه را نیز به همسری او داد و از این پیوند فرزندان نیز پدیدآمد. با این همه دیمتریوس کوشید تا بگریزد. یکبار با یاری دوستش کالیماندر که با نام مستعار خود را بدو رسانده بود کوشید تا از کرانه‌های دریای مازندران بگریزد، ولی ناکام ماندند. مهرداد نیز به جای مجازات کالیماندر از برای وفاداریش به دیمتریوس بدو پاداش داد. بار دومی که دیمتریوس کوشید بگریزد نیز گرفتار شد و این بار مهرداد با دادن تاس‌های زرین بدو - که به منزله اسباب بازی کودکان بود- او را خوارداشت.

17 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2058 .

18 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 6 ، ص 2058 .

19 - رشته‌کوه هیمالیا ( هندی و نیپالی: हिमालय )، مرتفع‌ترین کوه‌های زمین یا بطور عامیانه بام دنیا هستند. هیمالیا که در طول شمال هند به وسعت 2480 کیلومتر (1550 مایل) کشیده شده است ، یک دیوار بزرگ کوهستانی است .

این رشته‌کوه، خط جداکننده شبه‌قاره هند از « فلات تبت » چین است. نام هیمالیا از واژه سانسکریت himālaya (هیمالیا) گرفته شده که به معنی «برفستان» است. بلندترین قله جهان، اورست با ارتفاع 8848 متر در این رشته کوه قرار دارد.

20 - رجوع شود به :

- « تاریخ ایران باستان - آریاها و مادها » ، خدادادیان، اردشیر، انتشارات دیه ، 1379 .

- تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380

21 - رجوع شود به : صفحه

( /fa.wikipedia.org/wiki )

22 - نبرد حران : نخستین نبرد تمام عیار آریانا و روم در زمان سلطنت ارد دوم به وقوع پیوست. در بهار سال 54 پ.م کراسوس (crassus) فرماندار رومی بخش شرقی روم ، سپاه خود را برای حمله به آریانا آراست و با چهل هزار سرباز راهی آریانا شد.

« آرتاوازد » شاه ارمنستان در ملاقاتی با کراسوس ، به او وعده داد که شانزده هزار نیروی سواره در اختیار او قرار خواهد داد. او به کراسوس اطمینان داد که با این سواره نظام و پیاده نظام همراه او رومیان از نظر کمی و کیفی برتر از سپاه آریانا هستند و آریائیان را به آسانی شکست خواهند داد.

کراسوس با سپاه بزرگ و ورزیده خود راهی بین‌النهرین شد. در این گیر و دار ارد دوم با پیاده نظام خود با شتاب فراوان وارد ارمنستان شد و مبادرت به آن کرد تا از رسیدن سواره نظام ارمنی به کراسوس جلوگیری کند. سپس « سورنا » سردار دلاور و رشید خود را با ده هزار سوار به نبرد با کراسوس فرستاد.

کراسوس چون خبردار شد که سپاه اشکانی در مشرق فرات است تصمیم به تعقیب آریائیان گرفت و در بیابان‌های شمال بین‌النهرین/به دنبال دشمن وهمی و فراری با شتاب به سوی مشرق تاخت آورد و به حران رسید.

پس از زد و خوردی کوچک ناگهان نگهبانان فریاد برآوردند که اشکانیان آنها را در محاصره گرفته‌اند. شاهان محلی آسیایی که به اجبار و بیم در کنار رومیان بودند با شنیدن این خبر با سواران خود گریختند. سواران اشکانی (پارتی) وارد میدان کارزار شدند.

نخست سواران سنگین اسلحه اشکانی بر رومیان سبک اسلحه تاختند و آنان را به عقب راندند.

سپس سواران سبک اسلحه کماندار رومیان را به تیرباران گرفتند. تیرهای رومیان بر آنان کارگر نبود زیرا کمان‌های اشکانی برد بیشتری نسبت به کمان‌های رومی داشتند و اشکانیان نیز در تیراندازی سرآمد بودند. رومیان تلفات زیادی دادند و پس از اینکه پسر کراسوس به دست اشکانیان کشته شد عقب نشینی کردند.

رومیان در حال عقب نشینی چون با جغرافیای منطقه آشنا نبودند پیاپی مورد حمله اشکانیان واقع می‌شدند. سرانجام سورنا به رومیان پیشنهاد مذاکره کرد. کراسوس عازم ملاقات شد. در این میان رومیان دچار اختلاف شدند و در این گیر و دار پیکاری در گفت و کراسوس به دست آریائیان کشته شد.

از دید هویت‌شناسی نبرد حران در تاریخ باستان اهمیت زیادی دارد/ زیرا رومیان که خود را برتر از آریائیان و فاتح می‌دانستند با این شکست خوار شده و آریائیان بزرگ و بلندآوازه گشتند.



23 - تیسفون که عرب‌ها آن را مدائن نامیدند نام یکی از پایتخت‌های باستانی آریانا است که در کشور عراق امروزی واقع شده‌است.

تیسفون مجموعه‌ای از چند شهر، اسبانبر، سلوکیه و بغداد بود که در ساحل رود دجله ساخته شده بودند. این شهر در دوران اشکانیان آریایی به عنوان پایتخت غربی آریانا در منطقه میان‌رودان بنا نهاده شد، و در دوران شاهنشاهی ساسانی اهمیت خود را به عنوان مرکز قدرت سیاسی و اقتصادی حفظ کرد. پس از غصب آریانا بوسیله اعراب، شهر تیسفون به تاراج رفت و رفته رفته متروکه گشت.

از گودرز دوم شاه اشکانی تا اردوان پنجم شاه ساسانی آریائیان در تیسفون حدود ششصد سال حکومت کردند. رجوع شود به : - تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380 .

24 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 274 .

25 - - تاریخ ایران باستان، خدادادیان، اردشیر، اشکانیان، مجموعه پنجم، نشر به دید و قلم آشنا، تهران، 1380 .

- همچنان : فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 274 .

26 - فرهنگ فارسی ، دکتر محمد معین ، چاپ یازدهم 1376 ، جلد 5 ، ص 119 .

27 - تاریخ هرودیان ، کتاب 3، بند 1 و 27 .

28 - ایران باستان ، ج 3 ، ص 2234، 2648 و 2649 .

29 - "سورن" نام خانواده ای است که در دوره اشکانیان دارای قدرت بسیار بودند. یکی از اعضای این خانواده سورنا بود. او سردار بزرگ پارتی و معاصر اشک سیزدهم بود که کراسوس، سردار رومی را مغلوب کرد. و این سورنا بود که سیزدهمین شاه اشکانی را بر تخت پادشاهی سرزمین های آریانا نشاند.

30 - برای مطالعه و تحقیق بیشتر:

- ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف ، اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام ، 1378 .

Bivar, A. D. H. "The Political History of Iran ) - Under the Arsacids" in Ehsan Yarshater (ed.) (Cambridge History of Iran, Vol. III, Part I. CUP, 1983

Boyce, Mary. "The Parthian gosan professional ) - singer and the Iranian Minstrel Tradition", Journal of (the Royal Asiatic Society, 1957

Diakonoff, I. M. & Livshits, V. A. Parthian ) - Economic Documents from Nisa. In MacKenzie, D. N.

(ed.), *Corpus inscriptionum Iranicarum*, Pt 2. Inscriptions of the Seleucid and Parthian periods and of Eastern Iran and Central Asia. v. 2. Parthian, London, (1976)

Raditsa, L. "Iranians in Asia Minor", in Ehsan ) – Yarshater (ed.) *Cambridge History of Iran*, Vol. III, ( Part I. CUP, 1983